

فرهنگ

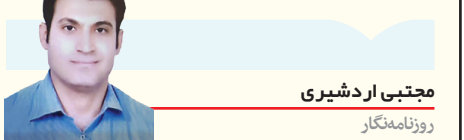
دوشنبه ۱۲ بهمن ۱۳۹۹ — شماره ۲۲۴۷

۱۲

ادامه از صفحه ۱۲

گزارش «فرهیختگان» از صف طویل اکران، اصرار برای فیلمسازی در دوران شیوع کرونا و ممیزی‌های سلیقه‌ای در آخرین سال قرن

قرن تمام شد و سینمای ما درست نشد!



مجتبی‌اشرفیروزنامه‌نگار

کرونا، در حوزه سینما، علی‌رغم تمام مشکلاتی که طی یکسال اخیر به‌وجود آورده، ترکش‌ها و تبعاتی را هم دارد که رفع و رجوع آنها چندسال به‌طول می‌انجامد. فارغ از تمامی زیان‌های مادی و معنوی که کرونا در یکسال اخیر بر سینماگران، سینماداران و سینماوستان عارض کرده، این ویروس منحوس سبب شده صف اکران، به چنان درازایی برسد که تاریخ سینمای ایران هیچ‌گاه شاهدش نبوده است. از سویی دیگر به‌دلیل راکد بودن تراز مالی صنعت نیمه‌جان سینما در کشور، این شائبه را متوجه کسانی کرده که طی اسسال فیلمی را جلوی دوربین برده‌اند که اساسا با چه امید و همدلی، دست به تهیه و تولید یک فیلم زده‌اند، حال آنکه در خوشبینانه‌ترین حالت، اثر آنها با توجه به صف طویل اکران، تا یکسال‌ونیم آینده هیچ‌شانسی برای نمایش عمومی ندارد. بنابراین سرمایه‌گذار این چاه هدف اقتصادی در تنگنایهای مردافکن، چنین ریسکی را به‌جای می‌خرد که برای فیلمی که شاید در ۱۴۰۱ روی پرده برود، میلیاردها تومان خرج کند؟!

جالب آنجاست که درکنار تمامی این خسران‌های جبران‌ناپذیر که حیثیت و گردش مالی سینمای ایران و جهان را نشانده گرفته، در یکسری مقررات عجیب سازمان سینمایی و وزارت ارشاد، همچنان در روی همان پاشنه می‌چرخد. در روزگاری که بسیاری از بدنه سینما، انتظار کمک‌هزینه خرد و کوچک از این نهادهای متولی دارد، شورای پروانه نمایش، همچنان به‌موی ترازشده و گوش مشخص شده اپراتر حامی گیر می‌دهد و یک فیلم هم از راه ورود به گردونه جشنواره فجر بازمی‌آورد. اینها، اما اگرهایی است که سینمای ایران را پس از یک‌گردبسی عجیب وبالا و پایین شدن‌های بسیار، در سال کرونایی ۹۹ آن مواجه می‌سازد. در این گزارش بر آن شدم تا نگاهی آسیدباشانه به این نهادها داشته و مضرات و راهکارهای احتمالی آن را از زبان کارشناسان جویا شوم.

۹ نزدیک به ۳۰۰ فیلم در صف اکران
سینمای ایران با در طول سال‌های متداری، هیچ‌گاه نتوانسته رابیطه‌ای درست و منطقی میان عرضه و تقاضا برقرار کند. تا بوده، عرضه، پیش‌تر و جلوتر از تقاضا بوده و در این میان، همواره صفی برای نمایش آثار وجود داشته است. این معضل حتی امروز که ناوگان سینمایی کشور با تعدد سالن و تنوعی مواجه شده بی‌علا به‌ایچم خورده و این فصلی سالن‌سازی که طی سالیان اخیر با جدیتی مثال‌زدنی مشغول فعالیت بوده نیز نتوانسته اندکی از پیش‌دهی‌ها را به‌دست بیاورد.
بگذارد از یک آمار ساده شروع کنیم. از مجموع فیلم‌هایی که در سال ۹۷ تولید شده‌اند، بیش از ۶۰۰ فیلم وجود دارند که هنوز روی پرده نرفته‌اند. از میان



داریم که در مراحل مختلف تولید قرار دارند و تعداد ۱۰۰ فیلمی که از سال گذشته باقی‌مانده که به‌دون گذشته پروانه ساخت گرفته‌اند و اسسال برخی مراحل مانده‌اند، تعداد فیلم‌های آماده اکران ما به رقمی فراتر می‌رسد که به این احساب متوجه می‌شویم که شمار فیلم‌هایی که در انتظار رونمایی روی پرده نقره‌ای هستند، به ۲۳۰ فیلم می‌رسد. حال اگر به شکلی منطقی، ظرفیت و توان ناوگان سینمایی کشور را در ایده‌آل‌ترین شکل ممکن، سالانه ۱۰۰ فیلم در نظر بگیریم (که تا امروز، هیچ‌سالی نتوانسته حتی به این عدد نزدیک هم شود) تنها سه‌سال طول می‌کشد تا فیلم‌هایی که تا پایان اسسال تولیدشده در نمایش دهیم. حالا به این صف بی‌پایزیم تعداد فیلم‌هایی که ملی سه‌سال آتی جلوی دوربین می‌روند تا متوجه شویم درصورت عدم راهکار اصولی و صحیح، این معضل به‌شکلی موهووار، شاکه سینمای کشور را تهدید کرده و یک فرصت‌سوزی بزرگ را موجب می‌شود که طی آن، آفت‌های بسیاری ازجمله یک سرمایه‌سوزی گسترده شکل می‌گیرد در این بین، آن خط‌دهی و ریل‌گذاری که قرار است بخشی از آن توسع سینما صورت پذیرد نیز کاملاً به بی‌راهه رفته و به سمرتزل مقصود نمی‌نرسد.

در همین رابطه **محمد اطیابی**، از پیش‌کنندگان نام سینمای ایران در عرصه بین‌الملل به «فرهیختگان» گفت: «برای اسسال ما بیش از ۲۰۰ فیلم را

همه‌چیز طبق یک پارادایم حرفه‌ای و مطلوب، در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد.

به جهت آگاهی از کم‌وکیف تعداد فیلم‌های آماده اکران و البته راهکارهایی که سبب می‌شود این صف، کوتاه‌تر شود، سراغ **مرتضی شایسته**، دبیر شورای صغی نمایش رفتم. شایسته که خود یکی از تهیه‌کنندگان و بخش‌کنندگان گهنگار سینمای ایران است در گفت‌وویی کوتاه به «فرهیختگان» گفت: «از این طرف و آن طرف و رسانه‌ها متوجه شده‌ام که تعداد فیلم‌های آماده نمایش را بیش از ۳۰۰ و ۳۰۰ عنوان معرفی کرده‌اند، درحالی‌که رقم واقعی فیلم‌ها، این اندازه نیست و اگر بخواهیم دقیق بگوییم باید تعداد آنها را ۱۱۰ تا ۱۲۰ عنوان فیلم اعلام کنم که با یک برنامه‌ریزی مشخص می‌توانیم این تعداد فیلم را در کنار فیلم‌های جدیدی که نیاز روز هستند، برای مردم به‌نمایش بگذاریم. در همین رابطه یکشنبه هفته آینده جلسه‌ای داریم تا تصمیم‌های جدید در زمینه اکران بگیریم.»

احتمالا منظور دبیر شورای صغنی نمایش، تعداد فیلم‌هایی است که پروانه نمایش داشته و برای اکران سینمایی درنظر گرفته شده‌اند. ایشان شاید فیلم‌های گروه هزوتجربه یا فیلم‌هایی که برای اکران اینترنتی مناسب هستند در این آمار لحاظ نکرده است.

البته فعلا می‌توانیم **مرتضی شایسته** در کلام **امیرحسین علم‌الهدی**، کارشناس سینما و مدیر پیشین گروه هنرتجربه نیز

علم‌الهدی به «فرهیختگان» گفت: «این که اصل در نظام سینمایی جهان است که تمام فیلم‌هایی که تولید می‌شوند، قاعدتا نمایش داده نمی‌شوند، بلکه آن چیزی که روی پرده می‌آید، نهایتاً ۴۰ درصد تولیدات سالیانه است. اگر قرار بر این باشد که هر فیلمی که تولید شد، راهی پرده سینما شود، تمام کشورهای بزرگ و صاحب صنعت در سینما با مشکل اکران و کمبود سالن مواجه می‌شوند. این کارشناس سینما ادامه داد: «در کشور ما سه ساله تعداد زیادی فیلم تولید می‌شوند که نهایتاً ۱۰۰ فیلم قابلیت نمایش دارند که از این میان فیلم‌های گروه هنرتجربه راهکار خودشان را قبل از این‌طور می‌شود که رقابت در زمینه تولیدات کیفی، بیشتر شده و سرمایه‌گذاران، تهیه‌کنندگان و کارگردانان متوجه می‌شوند اگر می‌خواهند سهمی بر پرده سینما داشته ب‌توانیم موانع اکران افزایش خود را درکنار افزایش ناوگان سینمایی کشور به موارات بکشدبر پیش برده و سرعت بخشیم، مشکل تاریخی صف اکران که سال‌هاست گریبان سینمای ما را گرفته، حل‌شدنی است.»

راهکارهایی که اطیابی مطرح کرد، می‌تواند درصورت تمهیدس صحیح و اجرایی موشکافانه، نظام هدفمند اکران را به‌همراه داشته باشد. ازروی چندین ساله سینماگران ایرانی که در پناه آن، برخی نبضی‌ها و تصمیم‌هایی که موافقان چندانی ندارند، پرچیده شده و

هشدارها و متوعیت‌هایی که اعمال شد، کار تولید را ادامه داد و طبق اخباری که بسیاری از آنها رساتنی نشد، مبتلارانی را نیز روانه بیمارستان‌ها کردند.

در بهار اسسال که کرونا به‌شکلی عادی شد، فرآیند تولید به شکل سرسام‌آلود دوباره جان گرفت و روی خط رونق افتاد. در شرایطی که سینماهای کشور در بهار اسسال کاملاً تعطیل بودند، این گروه‌های تولید فیلم و سریال بودند که با اخذ مجوز، تصویربرداری خود را آغاز کردند. این حجم به اندازه‌ای عجیب بود که نمود آن در آستانه جشنواره فجر خود را نشان داد. جایی که حتی دبیر جشنواره از شرکت حدود ۵۰ فیلم سخن گفت اما در کمال ناباوری ۱۱۰ فیلم متقاضی حضور در فجر اسسال بودند و این رقمی راهکارهایی که سبب می‌شود این صف، کوتاه‌تر شود، سراغ **مرتضی شایسته**، دبیر شورای صغنی نمایش رفتم. شایسته که خود یکی از تهیه‌کنندگان و بخش‌کنندگان گهنگار سینمای ایران است در گفت‌وویی کوتاه به «فرهیختگان» گفت: «از این طرف و آن طرف و رسانه‌ها متوجه شده‌ام که تعداد فیلم‌های آماده نمایش را بیش از ۳۰۰ و ۳۰۰ عنوان معرفی کرده‌اند، درحالی‌که رقم واقعی فیلم‌ها، این اندازه نیست و اگر بخواهیم دقیق بگوییم باید تعداد آنها را ۱۱۰ تا ۱۲۰ عنوان فیلم اعلام کنم که با یک برنامه‌ریزی مشخص می‌توانیم این تعداد فیلم را در کنار فیلم‌های جدیدی که نیاز روز هستند، برای مردم به‌نمایش بگذاریم. در همین رابطه یکشنبه هفته آینده جلسه‌ای داریم تا تصمیم‌های جدید در زمینه اکران بگیریم.»

احتمالا منظور دبیر شورای صغنی نمایش، تعداد فیلم‌هایی است که پروانه نمایش داشته و برای اکران سینمایی درنظر گرفته شده‌اند. ایشان شاید فیلم‌های گروه هنرتجربه یا فیلم‌هایی که برای اکران اینترنتی مناسب هستند در این آمار لحاظ نکرده است.

البته فعلا می‌توانیم **مرتضی شایسته** در کلام **امیرحسین علم‌الهدی**، کارشناس سینما و مدیر پیشین گروه هنرتجربه نیز

علم‌الهدی به «فرهیختگان» گفت: «این که اصل در نظام سینمایی جهان است که تمام فیلم‌هایی که تولید می‌شوند، قاعدتا نمایش داده نمی‌شوند، بلکه آن چیزی که روی پرده می‌آید، نهایتاً ۴۰ درصد تولیدات سالیانه است. اگر قرار بر این باشد که هر فیلمی که تولید شد، راهی پرده سینما شود، تمام کشورهای بزرگ و صاحب صنعت در سینما با مشکل اکران و کمبود سالن مواجه می‌شوند. این کارشناس سینما ادامه داد: «در کشور ما سه ساله تعداد زیادی فیلم تولید می‌شوند که نهایتاً ۱۰۰ فیلم قابلیت نمایش دارند که از این میان فیلم‌های گروه هنرتجربه راهکار خودشان را قبل از این‌طور می‌شود که رقابت در زمینه تولیدات کیفی، بیشتر شده و سرمایه‌گذاران، تهیه‌کنندگان و کارگردانان متوجه می‌شوند اگر می‌خواهند سهمی بر پرده سینما داشته ب‌توانیم موانع اکران افزایش خود را درکنار افزایش ناوگان سینمایی کشور به موارات بکشدبر پیش برده و سرعت بخشیم، مشکل تاریخی صف اکران که سال‌هاست گریبان سینمای ما را گرفته، حل‌شدنی است.»

راهکارهایی که اطیابی مطرح کرد، می‌تواند درصورت تمهیدس صحیح و اجرایی موشکافانه، نظام هدفمند اکران را به‌همراه داشته باشد. ازروی چندین ساله سینماگران ایرانی که در پناه آن، برخی گروه‌ها به شکل خودجوش اقدام به تعطیلی کرد و بخشی از پولش، یکسال‌ونیم صبر کرد. این اتفاق قطعاً

از منظر اقصادی، شیوهای منطقی نیست. این صحبت‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که تاکنون بارها نسبت به اقتصاد بیمار در حوزه سینما و ورود پول‌های مشکوک هشدار داده شده است. اقتصادی که طی آن، سود در همان تولید است و دیگر فرقی نمی‌کند که فیلم در چه بازه زمانی و با چه میزان فروشی همراه باشد. امیرحسین علم‌الهدی در این زمینه به ما گفت: «ایکمه که سال‌کوتنی که فشارهای اقتصادی زیادی بر مردم روا داشته شده و سینماها در این وضعیت بحرانی، تولیدات خود را همچنان ادامه می‌دهند، محلی برای شک کردن نیست. بعضی نسبت به این اتفاق مشکوک هستند که حتماً کاسه‌ای زیر نیم کاسه است اما باید بدیزیریم که نظر مردم در این باره، به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با این اتفاق مواجه شدند، به‌مراتب بیشتر از تمام سودها و منفعت‌های مادی بود که قرار بود در آن زمان نصیب سازندگان شود. از آن زمان تا به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با همین شکل ملاحظات به باجلگانی ارشاد رفتند و برخی تاکنون رنگ پرده را هم ندیدند. طبیعتاً برخی اشکالات سیاسی و اعتقادی آنقدر ظرفیت دارند که بتوانند فیلمی را زمین‌گیر کنند اما خیلی می‌انصافی است که در این سال، موی تراشیده یک زن و گوش‌های مشخص او، زمینه‌های توفیق یک فیلم شوند.»

او به شرایطی که این اتفاق تاکنون در بیش از ۱۰۰ فیلم روی پرده آمده، می‌رسد، اما باید بدیزیریم فیلم‌هایی که با این اتفاق مواجه شدند، به‌مراتب بیشتر از تمام سودها و منفعت‌های مادی بود که قرار بود در آن زمان نصیب سازندگان شود. از آن زمان تا به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با همین شکل ملاحظات به باجلگانی ارشاد رفتند و برخی تاکنون رنگ پرده را هم ندیدند. طبیعتاً برخی اشکالات سیاسی و اعتقادی آنقدر ظرفیت دارند که بتوانند فیلمی را زمین‌گیر کنند اما خیلی می‌انصافی است که در این سال، موی تراشیده یک زن و گوش‌های مشخص او، زمینه‌های توفیق یک فیلم شوند.»

او به شرایطی که این اتفاق تاکنون در بیش از ۱۰۰ فیلم روی پرده آمده، می‌رسد، اما باید بدیزیریم فیلم‌هایی که با این اتفاق مواجه شدند، به‌مراتب بیشتر از تمام سودها و منفعت‌های مادی بود که قرار بود در آن زمان نصیب سازندگان شود. از آن زمان تا به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با همین شکل ملاحظات به باجلگانی ارشاد رفتند و برخی تاکنون رنگ پرده را هم ندیدند. طبیعتاً برخی اشکالات سیاسی و اعتقادی آنقدر ظرفیت دارند که بتوانند فیلمی را زمین‌گیر کنند اما خیلی می‌انصافی است که در این سال، موی تراشیده یک زن و گوش‌های مشخص او، زمینه‌های توفیق یک فیلم شوند.»

او به شرایطی که این اتفاق تاکنون در بیش از ۱۰۰ فیلم روی پرده آمده، می‌رسد، اما باید بدیزیریم فیلم‌هایی که با این اتفاق مواجه شدند، به‌مراتب بیشتر از تمام سودها و منفعت‌های مادی بود که قرار بود در آن زمان نصیب سازندگان شود. از آن زمان تا به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با همین شکل ملاحظات به باجلگانی ارشاد رفتند و برخی تاکنون رنگ پرده را هم ندیدند. طبیعتاً برخی اشکالات سیاسی و اعتقادی آنقدر ظرفیت دارند که بتوانند فیلمی را زمین‌گیر کنند اما خیلی می‌انصافی است که در این سال، موی تراشیده یک زن و گوش‌های مشخص او، زمینه‌های توفیق یک فیلم شوند.»

او به شرایطی که این اتفاق تاکنون در بیش از ۱۰۰ فیلم روی پرده آمده، می‌رسد، اما باید بدیزیریم فیلم‌هایی که با این اتفاق مواجه شدند، به‌مراتب بیشتر از تمام سودها و منفعت‌های مادی بود که قرار بود در آن زمان نصیب سازندگان شود. از آن زمان تا به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با همین شکل ملاحظات به باجلگانی ارشاد رفتند و برخی تاکنون رنگ پرده را هم ندیدند. طبیعتاً برخی اشکالات سیاسی و اعتقادی آنقدر ظرفیت دارند که بتوانند فیلمی را زمین‌گیر کنند اما خیلی می‌انصافی است که در این سال، موی تراشیده یک زن و گوش‌های مشخص او، زمینه‌های توفیق یک فیلم شوند.»

وقتی هنوز اندرخم موی سر و گوش بازنگزیم هشتم

درست در سال‌های پس از جنگ که مسیر آبادانی کشور درحال طی شدن بود، فیلمی مانند «آدم‌پرپی»

فرهنگ

پذیرش و قبول هیچ‌ریسکی را ندارند، درحالی‌که اگر مشکل فیلم آقای نعمت‌الله و فیلم‌های دیگر، مواردی است که درقبل بوده وحالا دوباره مطرح شده، اینکه اسمش ریسک نیست و بیشتر «سلیقه» است که مدیران جدید دولت و یک تنه می‌گویند و تا انتهای کار خودشان را راحت می‌کنند. درحالی‌که با این قبیل ممیزی‌ها، تنها توجه عامه را به اثر مشغول کرده و هیچ‌انیمیزی برای آنها به‌همراه ندارد. این مسئله‌ای که به‌عنوان متولی شناخته می‌شوند نکته‌ای که فکچگیان به آن اشاره کرده، فحقتنی است که اکنون بارها از زبان چهره‌های مختلف در مقاطع زمانی گوناگون به زبانا آورده شده و این می‌تواند اشاعه همان نگاه سلیقه‌ای و فردی باشد که متأسفانه مدیران سینمای ایران هم به‌عنوان متولی شناخته می‌شوند که جایگاه‌شان این نیست. به‌عنوان مثال همین مدیریت فعلی را در نظر بگیریم. در مدت‌های هم سینمادوست دیگری می‌داند که ایشان در آستانه رفتن به‌سر می‌برد و اصلا اهل سینما نیست و کارش در این حوزه نیست. هم ایشان و هم مدیران و وزرای فرهنگی که این چنین بر مسند در این چند سال دست‌نهاد هیچ‌دفعه‌ای نسبت به سینما و ادبیات نداشتند.»

رافعی با توجه به اتفاقات و ممیزی‌هایی که در سال آخر حیات دولت در حوزه سینما رخ داده گفت: «ایشن داستان به‌خوشان گفته‌اند اما پایانی دولت است و چرا باید برگ به دست رقیب بدهیم که چرا به فلان فیلم یا کتاب کتاب مجوز دادی. البته می‌دانیم که در اینچین منظورمان از رقیب، آمریکا نیست، بلکه منتقدان، مطبوعات و اهالی رسانه هستند و همان ضرب‌المثل معروف اینجا کاربرد دارد که سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌زنند.»

پیرو این ضرب‌المثل است که این دوستان درباره فکر جدید، تصویر جدید، داستان جدید و تمام آن چیزهایی که کسی غیرمتعارف می‌نماید، ابراز نگرانی کرده و جلوی نمایش و انتشار آن را می‌گیرند.»

سینما از نگاه ما بوجه به اتفاقی که برای فیلم «قاتل و سلیقه‌ای است که همچنان انجام می‌شود. نامش در سمت تقلید از فیلم‌های وارداتی بوده که این اقدام در طول زمان به تکرار، مبال و ورشکستگی منجر می‌شود. این اتفاق درکنار ناامنی بازار موجب شده بازار سیاه همه‌جا را فرا بگیرد و فیلم‌های وارداتی، فضای سینما کشور را پوشش دهد.»

این کارگردان پیشکسوت ادامه می‌دهد: «مسبب بخش اعظمی از این اتفاق‌ها ممیزی‌های بی‌دلیل و سلیقه‌ای است که همچنان انجام می‌شود. نامش در بازار هم به کمکش می‌آید تا ورشکستگی جریان تولید داخلی رقم بخورد و آن چیزی که به‌جا می‌ماند تسلط فیلم‌های وارداتی ترک، هندی، کراهی و آمریکایی است. این دوستانی که در شورای پروانه نمایش هستند ازبده نمی‌شناسم فقط به آنها می‌گویم که هرگونه ممیزی سلیقه‌ای منجر به از بین رفتن بازار می‌شود و این اتفاق سبب می‌شود سینمای ما رابطه‌اش را با زندگی ایرانی ازدمت‌دسته ببیند و به همین دلیل به‌سراغ تقلید و تکرار می‌رود؛ چیزی که در طول این سال‌ها بالای جان بسیاری از کارگردانان عمدتا جوان شده است.»

در همین زمینه **عباس رافعی**، از تهیه‌کننده و کارگردان سینما ایران که گویا فیلم آخر او «غیبت‌موجه» به همین دلیل، اسطفاک‌هایی را با شورای پروانه نمایش داشت، به «فرهیختگان» گفت: «ممیزی و آن چیزی که در سال‌های هجنان با آن دست به گریبان هستیم، موضوع تازه‌ای نیست. من از سال ۷۵ تاکنون مشغول فیلمسازی هستم و میانگین، هر یک دوره در میان هر جشنواره فجر حضور دارم. من وقتی دارم به آن فکر می‌کنم، گشته نگاه می‌کنم. متوجه می‌شوم هر چه به جلوتر آمده‌ام، دید دوتنروان و سینماگردان فرهنگی تا چه اندازه تنگ‌تر شده و آنها تا چه اندازه تکران نگهداری هست و منصف خود هستند. همین تکرانی است که سبب



چنین آموزش داده بود. کسی که پای جویبار داشتیم و اگر می‌بید خوب رانده‌ام همین هنروان کرده‌ایم. پرستویی درباره جذابیت کاراکتر امیر در فیلم برای خودش عنوان کرد: «این‌ها پدیده‌ای برای امیر خیلی سخت است. یکی از چهره‌های کلیدی در این آموزش برای هم‌بگذارم بود ولی من اهل رفتن نیستم. با گفتن این حرف‌ها رخی فکر می‌کنند ما را می‌گوید عیب ندارم. من این را زیاری را دوست دارم. من امیر و اتفاقات این فیلم را در جامعه خودمان می‌بینم.»

می‌شود فشارهای بسیاری به نویسندگان و کارگردانان و البته تهیه‌کنندگان وارد شود. این کارگردان شناخته‌شده ادامه داد: «یک زمانی بود که آقایان بهشتی، انوار و حیدریان پست‌های سینمایی را عهده‌دار بودند و احساس می‌کردند جایگاه‌شان محکوم از آن است که با چند فیلم سست و متنازل شوند. اما طی این سال‌ها، چنین احساسی در مدیران سینمایی ما وجود ندارد. الان کسانی عهده‌دار هدایت سینمای ایران هستند و به‌عنوان متولی شناخته می‌شوند که جایگاه‌شان این نیست. به‌عنوان مثال همین مدیریت فعلی را در نظر بگیریم. در مدت‌های هم سینمادوست دیگری می‌داند که ایشان در آستانه رفتن به‌سر می‌برد و اصلا اهل سینما نیست و کارش در این حوزه نیست. هم ایشان و هم مدیران و وزرای فرهنگی که این چنین بر مسند در این چند سال دست‌نهاد هیچ‌دفعه‌ای نسبت به سینما و ادبیات نداشتند.»

رافعی با توجه به اتفاقات و ممیزی‌هایی که در سال آخر حیات دولت در حوزه سینما رخ داده گفت: «ایشن داستان به‌خوشان گفته‌اند اما پایانی دولت است و چرا باید برگ به دست رقیب بدهیم که چرا به فلان فیلم یا کتاب کتاب مجوز دادی. البته می‌دانیم که در اینچین منظورمان از رقیب، آمریکا نیست، بلکه منتقدان، مطبوعات و اهالی رسانه هستند و همان ضرب‌المثل معروف اینجا کاربرد دارد که سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌زنند.»

پیرو این ضرب‌المثل است که این دوستان درباره فکر جدید، تصویر جدید، داستان جدید و تمام آن چیزهایی که کسی غیرمتعارف می‌نماید، ابراز نگرانی کرده و جلوی نمایش و انتشار آن را می‌گیرند.»

سینما از نگاه ما بوجه به اتفاقی که برای فیلم «قاتل و سلیقه‌ای است که همچنان انجام می‌شود. نامش در سمت تقلید از فیلم‌های وارداتی بوده که این اقدام در طول زمان به تکرار، مبال و ورشکستگی منجر می‌شود. این اتفاق درکنار ناامنی بازار موجب شده بازار سیاه همه‌جا را فرا بگیرد و فیلم‌های وارداتی، فضای سینما کشور را پوشش دهد.»

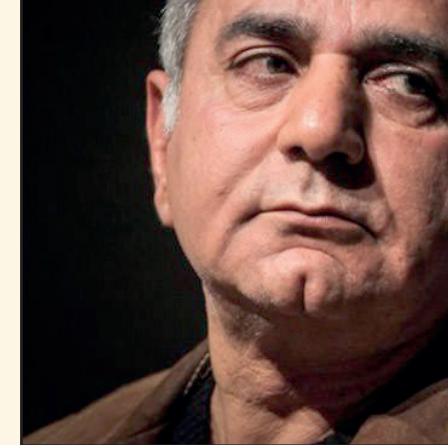
این کارگردان پیشکسوت ادامه می‌دهد: «مسبب بخش اعظمی از این اتفاق‌ها ممیزی‌های بی‌دلیل و سلیقه‌ای است که همچنان انجام می‌شود. نامش در بازار هم به کمکش می‌آید تا ورشکستگی جریان تولید داخلی رقم بخورد و آن چیزی که به‌جا می‌ماند تسلط فیلم‌های وارداتی ترک، هندی، کراهی و آمریکایی است. این دوستانی که در شورای پروانه نمایش هستند ازبده نمی‌شناسم فقط به آنها می‌گویم که هرگونه ممیزی سلیقه‌ای منجر به از بین رفتن بازار می‌شود و این اتفاق سبب می‌شود سینمای ما رابطه‌اش را با زندگی ایرانی ازدمت‌دسته ببیند و به همین دلیل به‌سراغ تقلید و تکرار می‌رود؛ چیزی که در طول این سال‌ها بالای جان بسیاری از کارگردانان عمدتا جوان شده است.»

در همین زمینه **عباس رافعی**، از تهیه‌کننده و کارگردان سینما ایران که گویا فیلم آخر او «غیبت‌موجه» به همین دلیل، اسطفاک‌هایی را با شورای پروانه نمایش داشت، به «فرهیختگان» گفت: «ممیزی و آن چیزی که در سال‌های هجنان با آن دست به گریبان هستیم، موضوع تازه‌ای نیست. من از سال ۷۵ تاکنون مشغول فیلمسازی هستم و میانگین، هر یک دوره در میان هر جشنواره فجر حضور دارم. من وقتی دارم به آن فکر می‌کنم، گشته نگاه می‌کنم. متوجه می‌شوم هر چه به جلوتر آمده‌ام، دید دوتنروان و سینماگردان فرهنگی تا چه اندازه تنگ‌تر شده و آنها تا چه اندازه تکران نگهداری هست و منصف خود هستند. همین تکرانی است که سبب

او به شرایطی که این اتفاق تاکنون در بیش از ۱۰۰ فیلم روی پرده آمده، می‌رسد، اما باید بدیزیریم فیلم‌هایی که با این اتفاق مواجه شدند، به‌مراتب بیشتر از تمام سودها و منفعت‌های مادی بود که قرار بود در آن زمان نصیب سازندگان شود. از آن زمان تا به‌مرور، بودند فیلم‌هایی که با همین شکل ملاحظات به باجلگانی ارشاد رفتند و برخی تاکنون رنگ پرده را هم ندیدند. طبیعتاً برخی اشکالات سیاسی و اعتقادی آنقدر ظرفیت دارند که بتوانند فیلمی را زمین‌گیر کنند اما خیلی می‌انصافی است که در این سال، موی تراشیده یک زن و گوش‌های مشخص او، زمینه‌های توفیق یک فیلم شوند.»

وقتی هنوز اندرخم موی سر و گوش بازنگزیم هشتم

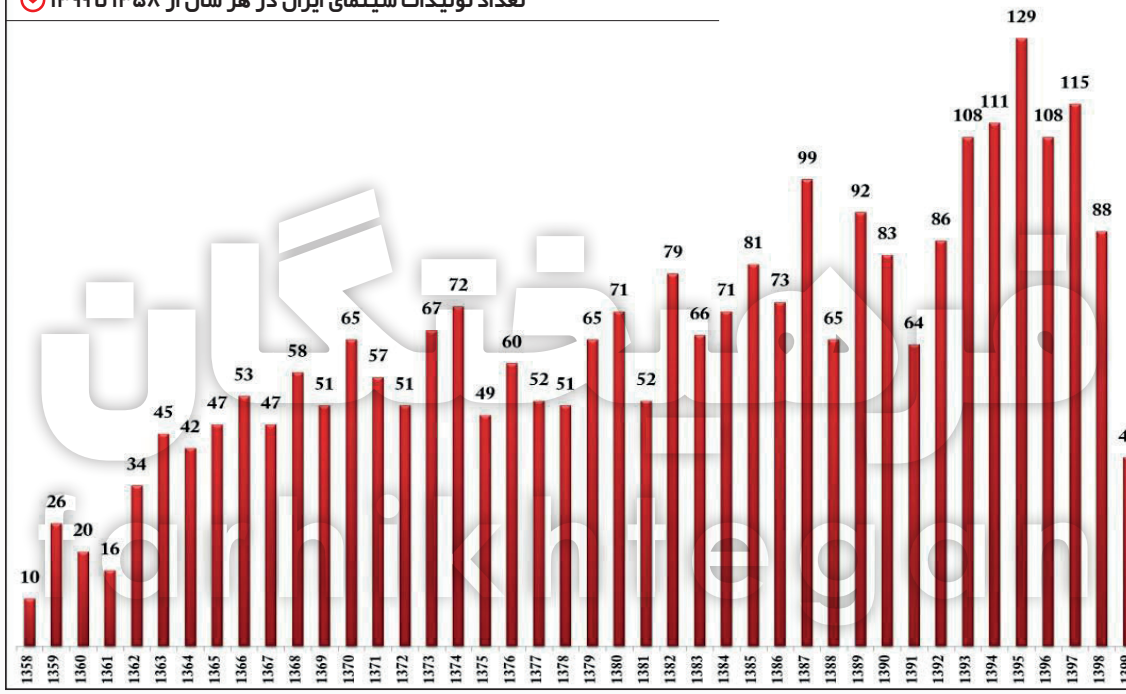
درست در سال‌های پس از جنگ که مسیر آبادانی کشور درحال طی شدن بود، فیلمی مانند «آدم‌پرپی»



او افزود: «اصلا من هم مثل امیر شده‌ام به چه کسی باید اعتماد کرد؟ چه باید کرد؟ هر روز چار ناپنجاری و بی‌عدالتی می‌بینم؟ چرا به کسی می‌رسیم که کمکوت می‌کنم؟ چقدرم خسته از این بازی خردم‌ام؟ من گویم را بسنم. فکر کردم اگر تحت‌تاثیر بازی بگیرم باید بگذارم بود ولی من اهل رفتن نیستم. با گفتن این حرف‌ها رخی فکر می‌کنند ما را می‌گوید عیب ندارم. من این را زیاری را دوست دارم. من امیر و اتفاقات این فیلم را در جامعه خودمان می‌بینم.»

۹ ادامه از صفحه ۱۱

تعداد تولیدات سینمای ایران در هر سال از ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۹



اینکه کار کنند چون شغل آنها همین است و مجبور هستند تر به آن دهند تا بیکار نمانند. دانش آقباشای که دستخوش یلق کارگروه مدیریت بحران کرونا در بهار بود هم در این باره می‌گوید: «درست کاروانی خانه‌شمارا غرابدیدشت هم‌مربویدم و تلاش می‌کردیم که پروژه‌ها متوقف شوند و از دولت پول بگیرند و به اهالی سینما

۹ خبر

پرویز پرستویی در نشست خبری «بی‌همه چیز»:

مسئولان، معضلات اجتماعی را نمی‌بینند

«شخصیت‌های مرکب جاهایی مقصر است یک‌جاهایی نیست‌ولی خیلی‌هم‌گه‌ای‌نست‌ولی به‌شرایط‌زندست‌بسی‌می‌گردد. عوامل مختلفی دست‌به‌دست هم‌ده‌اند که یک‌جاهایی مقصر باشد و یک‌جاهایی... پرویز پرستویی بازیگر اصلی فیلم هم عنوان کرد: «اولین چیزی که باید به‌هم‌دوخت‌نشود، باید بگوییم اساسا در کار که دست‌نداشت‌باش‌خود پیدا نمی‌کنم، محسن قرایی را هم از سال‌های پیش می‌شناختم، وقتی متن را خواندم براساس پوروسه سینما... امیر... فکر همان نموده اشتباهاتی داشته و در گذشته خطاهایی داشته، او گملاخاست‌تری است. او وقتی زیر چهارپایه می‌زند می‌فهمد که به‌ته‌خط‌رسیده، او همه‌چیز خود را از دست داده است وقتی اینجا می‌آید بنده تصمیم به تمام کردن همه‌چیز می‌گیرد. من فکر می‌کنم کاراکتر یک‌پورسه را طی کرده‌ام.»

محسن قرایی درباره دیگر عوامل این فیلم گفت: «اعتقاد داشتم موسیقی می‌تواند نباید مستقیم به موضوع این فیلم بپردازد. می‌خواستم که فیلمی کاملاً کاراکتریک باشد، حامد ثابت و قفا به‌ترین موسیقی‌برای این فیلم نوشته و نزدیک‌ترین چیزی بود که به ذهنم رسید. اما به‌خدا خوش‌شانس‌تر بودیم هم بسیار کارایند است. من دلم از مشورت‌های او استفاده نمی‌کردم. خودم همیشه به‌هم تهرانی‌ها نظر بودم، هادی حجازی فرد آخرین لحظات به‌دامن رسید، این گروه فیلم ساخته نمی‌شد. پرستویی در ادامه گفت: